

## **A Model for Student Improvement in the Educational System of Islamic Azad University (Case Study: Islamic Azad University- Sanandaj Branch)**

**Pariya Porbaran:** Ph.D. Student, Department of Higher Education Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Management and Economics, Tehran, Iran.

**Hamideh Reshadat Jo\*:** Faculty Member, Department of Higher Education Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Management and Economics, Tehran, Iran.

**Kamran Mohammadkhani:** Faculty Member, Higher Education Management Department, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Management and Economics, Tehran, Iran.

**Adel Fatemi:** Faculty Member, Department of Statistics, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

**Abstract:** The present research was aimed to provide a model for student' development at Islamic Azad University. This research was an applied research in terms of purpose and its implementation method consisted of qualitative and quantitative methods (quantitative or quantitative research or mixed-method). The statistical population of this study in quantitative and qualitative sections was different. In the qualitative section of the study, population included experts in the field of student Development (14 members were selected through purposive sampling method); whereas, in the quantitative part, population included all the final year students of undergraduate, graduate and postgraduate degrees in Islamic Azad University-Sanandaj Branch in the first semester of 2018-2019 were estimated to 1500 person. The sample size in the qualitative section was selected based on the theoretical saturation and sample size in the quantitative part was selected by Morgan table ( $n=320$ ). The sampling method was random- Stratified, according to sampling method classification with appropriate allocation. After conducting an in-depth interview, a list of 5 dimensions including educational, individual, social, research, and sustainable employment goals and 24 components of the student's Development were identified for themselves and others. The extracted conceptual model was approved according to the philosophy, objectives, theoretical foundations, dimensions and components, executive mechanism, executive process, feedback system and evaluation at the error level of 0.05.

**Keywords:** Student development, Educational Development, Individual Development, Social development, Islamic Azad University.

**\*Corresponding author:** Faculty Member, Department of Higher Education Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Management and Economics, Tehran, Iran.

**Email:** [hamidereshadatjo@gmail.com](mailto:hamidereshadatjo@gmail.com)

## مقدمه

شایستگی های فردی و آمادگی برای عصر تغییر و کارآفرینی مراکز علمی و پژوهشی از مؤلفه های جوامع بالنده به شمار می روند. لذا رسالت مراکز آموزش عالی منبعث از تعامل استادان، مدیران و دانشجویان، جهت تحقق اهداف ویژه و مشترک علمی است که همواره تحول را در فراخنای زمان به همراه داشته است (جکسون و همکاران 2003).

دانشگاه که از آن با عنوان آموزش عالی نیز یاد می شود، به مثابه اردوگاه اصلی علم و تولید علمی و مکانی برای توزیع، ترویج و انتشار آن، از جمله پایگاه های اساسی برای تربیت شهروندانی است که ضمن برخورداری از روشنایی ناشی از علم و آگاهی و دانش بشری، آن ها را با فرزاندگی و «هنر یادگیری برای بودن، یادگیری برای عمل کردن، یادگیری برای یاد دادن و بالاخره یادگیری برای باهم زیستن» آشنا می سازد و این رسالتی بوده است که آموزش عالی، بر دوش داشته و خواهد داشت (جاودانی 1389).

در قرن 21، دانشگاهها با چالش های زیادی روبرو هستند. محیط بیرونی آنها بسیار پیچیده و پر از تقاضاست. والدین، کارکنان، هیئت امنا و رهبران حکومت در مورد نقش آموزش عالی با پرسش های زیادی مواجهند. دانشگاهها در خصوص تأکید و توازن رسالت های چندگانه خود مانند توزیع دانش از راه تدریس، تولید دانش از راه پژوهش و کاربرد دانش از راه خدمات و پروژه های توسعه که بین متخصصان مؤسسه و مسائل اجتماعی پیوند برقرار می کنند، تحت فشارند. دانشگاهها همچنین با تغییر در محیط درونی خود از جمله، افزایش کاربرد فناوری های اطلاعات، رشد مداوم در تنوع بدنه دانشجویی و مطرح شدن تمرکز بر برنامه های بین رشته ای مواجهند. رسالت و هدف نظام آموزش عالی باید با تحولات و تغییراتی که در حوزه های مختلف دانش، فناوری، نیازهای فردی و جامعه به وجود آمده تغییر یافته و فرهنگ این سازمانها نیز به عنوان مهمترین نهاد و رکن علمی متناسب با شرایط و تحولات جهانی توسعه یافته و تغییر نماید (نیاز آذری 1389).

هدف اساسی آموزش و پرورش؛ تربیت انسان-هایبست که قابلیت انجام دادن کارهای جدید را داشته باشند و فقط

آنچه را که نسل های پیشین انجام داده اند تکرار نکنند؛ یعنی تربیت افرادی خلاق؛ مبتکر و مکتشف. دومین هدف تعلیم و تربیت پرورش ذهن هایی است که به جای پذیرفتن هرچه به آنان عرضه می شود؛ بتوانند آن را نقد کنند و صحت آن را مورد سنجش قرار دهند. در عین حال؛ از منظر تربیتی، جامعه امروز نیازمند دانش آموختگانی با مهارت های چندگانه است که علاوه بر شایستگی حرفه ای قادر باشند به زندگی در شرایط بی ثبات و پیوسته متغیر اجتماعی ادامه دهند. آنچه که بر اهمیت فعالیت های تربیتی و اجتماعی دانشگاهها می افزاید ضرورت پذیرش نقش های شغلی و اجتماعی و زندگی در دنیای متفاوت آینده و داشتن توانایی های ویژه از سوی دانشجویان برای حیات در این دنیای جدید است (قورچیان و افتخارزاده 1385).

امروزه جامعه انتظار دارد آموزش عالی، دانش آموختگانی را تربیت کند که علم و آگاهی و همچنین توان انجام بسیاری از کارها را داشته باشند، اما چنانچه مشاهده می شود مهارت های مختلف مورد نیاز در زندگی حرفه ای و شخصی دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد، مواردی مانند: مهارت های ارتباطی (خواندن، نوشتن، سخن گفتن، گوش دادن، تعامل)، تفکر نقادانه و مهارت های مسئله گشایی (تحلیل، ترکیب و کاربرد اطلاعات)، درک زیبایی شناختی (حساسیت داشتن نسبت به هنر و لذت بردن از آن)، فرهیختگی علمی (علاقه مندی به علوم و نقش آن در جهان)، دانش ریاضی (توانایی کاربرد و استفاده از اعداد و ارقام)، مهارت های فنی (توانایی و جسارت در بهره گیری از فناوریهای جدید)، توانشهای فرهنگی (آگاهی اجتماعی، درک چند فرهنگی، تعهد به جامعه)، توانایی رهبری، توانایی در اتخاذ تصمیم های اخلاقی و توانایی در سلوک اخلاقی و علاقه به یادگیری مستمر (منصوری 1380).

امروزه از نظام های آموزشی انتظار می رود برنامه های خود را مورد تجدیدنظر قرار دهند و با تعمق، تدبیر و ژرفنگری نیازهای دانشی، مهارتی، نگرشی و ارزشی فراگیران را برای کنش مؤثر در ابعاد محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی برآورده و برنامه های متناسب با آن را تدوین نمایند (قورچیان و افتخارزاده 1385).

لازم و موردنیاز، تلاش نموده و به تعادل برسد تا بتواند وارد مرحله بعد بهسازی خود شود) (سایت دانشگاه کالگاری 2014).

- نظریه های بهسازی دانشجو

متخصصان امور دانشجویی با این امر موافق اند که نظریه های بهسازی دانشجو را می توان به چهار مقوله تقسیم کرد که با تمرکز بر روی چهار مکتب اصلی نظریه بهسازی دانشجو، مروری بر مبانی نظری خواهیم داشت (سایت دانشگاه کالگاری، 2014).

1- نظریه شناختی - ساختاری، 2- نظریه روانی - اجتماعی، 3- نظریه سنخ شناختی، 4- نظریه شخص - محیط. هر رویکردی در بهسازی دانشجو، آن را از دیدگاهی متفاوت می بیند و برخی نظریه ها بیش از یک مقوله را دربرمی گیرند. همه آنها در مورد تجربیات خارج از کلاس دانشجو نیز کاربرد دارند.

نظریه شناختی - ساختاری: نظریه شناختی - ساختاری چگونگی توسعه شناختی و هوشمندشدن دانشجویان را مورد بررسی قرار می دهد که شامل چگونگی تفسیر جهان اطراف آنان نیز می باشد. نظریه مذکور طرز تفکر مردم را مورد بررسی قرار می دهد نه به آنچه که آنها فکر می کنند این نظریه روشهایی را که افراد تجربیاتشان را تفسیر و معنا می کنند مطالعه می کند. این امر با تمرکز بر فرایند رشد و نه لزوماً محتوای آن، صورت می پذیرد.

نظریه شناختی - ساختاری هر دو بهسازی فکری و اخلاقی را بررسی می کند و فقط به ساختار ارزشها، عقاید و مفروضات دانشجویان نمی پردازد. بلکه مهارتهای حل مسئله و مهارتهای تحلیلی افراد را نیز می آزماید. این نظریه ها به صورت سلسله مراتبی و مراحل متوالی هستند.

- نظریه رشد اخلاقی: لارنس کولبرگ و کارول گیلیگان نشان دهنده راههای ساخت یافته اندیشیدن اند. هر یک از مراحل این نظریه ها مستقل از مرحله دیگر، در تک تک افراد به شکل متوالی و بدون جا افتادن یک مرحله ظاهر میشود. بر مبنای این نظریه ها، استدلال اخلاقی همیشه در سطح واحدی از رشد انجام میشود و افراد، به ندرت استدلالی را که در سطحی بالاتر ارائه می شود درک می کنند.

آموزش و بهسازی دو مفهوم مرتبط به هم هستند که معمولاً در ادبیات مدیریت منابع انسانی آنها را با همدیگر به کار می برند. اما بین آنها تفاوت هایی وجود دارد. آموزش روی تعالی تمرکز دارد و به دانش، مهارت ها و نگرش هایی که افراد بدان نیاز دارند تا شغل فعلی خود را به شیوه معمول و با سطح مسئولیت های موجود انجام دهند، ارتباط دارد. بنابراین آموزش هرگونه کوششی است جهت بهبود عملکرد فرد در شغل فعلی او و این به معنای تغییر دانش و اطلاعات، مهارتها، نگرشها و رفتارهای خاص فرد است (نفلکامپ 2003).

بهسازی دانشجو هم دارای مبانی نظری و هم فلسفی در مورد تحصیلات عالی است. آن یک جنبش هدایت شده (فکری و عملی) برای شایستگی است. نظریه بهسازی دانشجو ماهیتی یکپارچه دارد که نیاز به تقابل، برابری و همکاری میان همه بخشها شامل دانشجویان، اساتید، کارمندان، بخشهای اجرایی دارد.

لذا نظریه های بهسازی دانشجو، به مجموعه ای خاص از نظریه های توصیفی مبتنی بر تحقیق گفته می شود که حاکی از راه های متفاوتی است که جمعیت متنوع دانشجویی هنگامی که در آموزش عالی مشارکت دارند، تغییر و توسعه پیدا می کنند.

- مفروضات اساسی و مفاهیم مربوط به بهسازی دانشجو

1- هر دانشجو باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شود. درک یادگیری جامع ضروری است. به عوامل جسمی، ذهنی، عاطفی و روحی توجه شود، 2- بهسازی مطلوب دانشجویان نیازمند محیطی است که چالشها و حمایتها را به تعادل برساند، 3- بهسازی وظایف، مهارتها و تلاشهایی هستند که با خوب یادگرفتن در محیط حاصل می شوند، 4- بحران اغلب از عدم تعادل منتج می شود (هنگامیکه شخص نتواند مهارتهایی را کسب کند که با استفاده از آن، موقعیتی را مدیریت نماید)، 5- مراحل بهسازی، مراحل سلسله مراتبی هستند که باعث میشود شخص از یک مرحله به مرحله بعد صعود نماید، 6- تعادل / عدم تعادل، مربوط به شخصی است که دارای مهارت برای مدیریت موقعیت ها نباشد (عدم تعادل هنگامی رخ می دهد که دانشجو برای ارتقای مهارتهای

اینکه چگونه دانشجو و محیط دانشگاه یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظریه‌های شخص-محیط، الگوهای فرایندی و مرحله‌ای برای کمک به مجریان به منظور استفاده از نظریه در عمل هستند. نظریه‌های شخص-محیط انواع پیشرفت‌های ممکن برای دانشجویان و شاخص‌هایی را به منظور طراحی محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی سالم برای دانشجویان عنوان می‌کنند. کارنی استرنج برخی از الگوهای استفاده شده را بررسی و آنها را در چهار بعد از شرایط و اوضاع و احوال دانشگاهی سازمان‌دهی کرده است: طراحی و کیفیت سیمای فیزیکی دانشگاه، گروه‌های دانشجویی و هیئت علمی و ویژگی‌های مشترک آنها، پویایی و ساختار سازمانی دانشگاه و بالاخره معانی که دانشجویان به این ابعاد می‌دهند. گرچه الگوی جامع محیطی وجود ندارد، این ابعاد راهنمایی‌هایی را برای برنامه‌ریزی محیط‌های دانشگاهی به منظور تقویت بهسازی دانشجو ارائه می‌کنند (نفلکامپ 2003).

لذا نظریات شخص-محیط ارتباط میان محیط و دانشجو را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با بهسازی دانشجو آورده شده است.

هلمز و همکاران پژوهشی را با هدف کاربرد نظریه بهسازی دانشجو در اعتقادات معنوی دانشجویان دانشگاه انجام دادند. این مطالعه کیفی اعتقادات معنوی را در ارتباط با تجربیات دانشگاه بررسی می‌کند تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد ارتباط همتایان می‌تواند در شکل‌گیری دانشجو در جهت ایجاد مفهوم تجربیات علمی و اجتماعی در دانشگاه مؤثر و مفید باشد. این مطالعه دریافت که دانشجویان بمقدار زیادی بر عوامل مختلف دانشگاهی در جهت یادگیری و توسعه اعتقادات معنوی تکیه می‌کنند. در این مطالعه فرض شد بهسازی دانشجو مشروط بر چهار وضعیت می‌باشد:

الف) سطوح متناسب چالش و حمایت

ب) مشارکت و درگیر شدن دانشجو در جامعه دانشگاهی

ج) رفع موضوعات مهم و یا حاشیه‌ای:

د) دانشجویان باید احساس اعتبار و ارزشمندی داشته باشند (هلمز و همکاران 2015).

-نظریه روانی-اجتماعی: نظریات روانشناسی شخصیت افراد و زندگی میان فردی را می‌آزماید و بعنوان «توالی وظیفه رشدی یا مراحل مواجهه شده با بزرگسالی است هنگامیکه همگام با زیست‌شناسی و روانشناسی است». و همچنین تغییرات کیفی در تفکر، احساسات، رفتار، ارزشها و ارتباط با خود و دیگران می‌باشد.

از مسائل مهمی که دانشجویان در پیشرفت زندگیشان با آن مواجه می‌شوند مواردی مانند «تعریف خودشان و ارتباطشان با دیگران» است و هر آنچه که دانشجویان هنگامیکه رشد می‌کنند، می‌خواهند باشند.

-نظریه روانی-اجتماعی، با توسعه بین فردی و هویت دانشجویی سروکار دارد: از جمله اینکه چگونه دانشجویان خود را، روابط خود را با دیگران و آنچه را که می‌خواهند با زندگی خود انجام دهند تعریف می‌کنند.

در این رابطه نظریه چیکرینگ/رایسر می‌تواند به درک پیشرفت دانشجویانی که در بهسازی هویت خود هستند کمک کند.

بنابراین نظریه روانی، زندگی فردی و بین فردی را، با تمرکز بر ماهیت رشد در طول زندگی، مطالعه می‌کند. بسته به اینکه افراد چگونه ویژگی‌هایی همچون اعتماد، صداقت، صمیمیت و استقلال را در خود توسعه دهند، شخصیتشان نیز در نهایت بر همان اساس شکل می‌گیرد. این ویژگی‌های فردی و بین فردی برای هویت فرد بسیار مهم‌اند و چگونگی ارتباط افراد با دیگران را در طول زندگی تعیین می‌کنند.

-نظریه‌های سنخ‌شناختی: این نظریه‌ها چگونه نگرستن متفاوت دانشجویان را به جهان اطراف مورد بررسی قرار می‌دهد و در معنای دیگر، تفاوت‌های فردی را در اینکه افراد چگونه مشاهده می‌کنند و آن را به جهان ربط می‌دهند، بررسی می‌کند. در واقع این نظریه‌ها ناظر به این نکته‌اند که افراد مختلف چگونه جهان را مطالعه و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. آنها غیرقابل ارزیابی‌اند و بر تفاوت نه بر دوگانگی متمرکزند. هر فردی به عنوان کسی که چیزی با ارزش و خاص به اوضاع اضافه می‌کند شناخته می‌شود.

-نظریه‌های شخص-محیط: این نظریه‌ها الگوهای تعاملی هستند که محیط دانشگاه را توصیف می‌کنند برای مثال

زمینه را برای تجربه یادگیری عمیق و معنادار و فراگیری مهارتها در برنامه‌ها، فراهم می‌کند (درک پالادینو و همکاران 2011).

پژوهشی تحت عنوان سبک های تفکر و بهسازی هویت در میان دانشجویان یک دانشگاه چینی توسط ژانگ (2015) انجام شد. این مطالعه ارتباط بین سبکهای تفکر و بهسازی هویت در بین دانشجویان چینی را بررسی می‌کند. دانشجویان به سوالاتی که براساس نظریه خود فرمانی استرنبرگ، هویت اروین، نظریه پایه بهسازی روانی-اجتماعی چیکرینگ بود، پاسخ دادند. نتایج مطالعات نشان دهنده ارتباط قوی سبک های تفکر و بهسازی هویت است. غالباً تیپ I سبکهای تفکر بطور مثبت در ارتباط با مفهوم هویت دانشجویان است و تیپ II بطور منفی با مفهوم هویت در ارتباط است.

تیپ 1 سبک های تفکر یعنی خلاق بودن، ارزیابی دیگران، رویکردهای مختلف انجام وظایف، تمرکز روی کل تصویر (تصویر جامع). تیپ 2 سبک های تفکر یعنی مجری دستورات، تمرکز روی جزئیات، انجام یک وظیفه در یک زمان، استفاده از رویکردهای سنتی. این یافته‌ها با یافته‌های ژانگ (2002) که بیان می‌کند تیپ I سبکهای تفکر بطور مثبت موجب بهسازی روانی-اجتماعی دانشجویان می‌شود، سازگار است در مطالعات ژانگ (2002 و 2001) سبک‌های تفکر در ارتباط با اعتماد به نفس، انواع شخصیت‌های شغلی و بهسازی شناختی است (لی فانگ ژانگ 2015).

لازم به ذکر است، نظریه بهسازی دانشجوی دانشگاه مبنای روانشناسی اروپایی (راجرز، 1990) دارد. چیکرینگ (1969) ابعاد بهسازی دانشجوی دانشگاه را براساس نظریه بهسازی انسانی اریکسون (1959) ارائه کرد و نوشته‌های اریکسون توسعه و گسترش نظریه فروید است (سایت دانشگاه کالگری 2014).

بهسازی دانشجو در دانشجویان ناتوان و کم‌توان: منظور دانشجویانی است که در شرایط ناتوانی هستند یعنی از نظر جسمی یا ذهنی زیان دیده و یک یا بیشتر فعالیت‌های مهم زندگی وی محدود شده است. این فعالیت‌ها شامل راه رفتن، دیدن، یادگرفتن، کارکردن، انجام کارهای دستی،

بروکنر (2014) پژوهشی را با هدف کاربرد نظریه بهسازی دانشجو در افزایش تجربه آموزشی در هدایت دانشجو انجام داد. نتایج حاکی از این بود که شاغلین اداره کردن دانشجو، موقعیتهای قابل توجهی در دانشگاه دارند که می‌توانند بر بهسازی دانشجویان تأثیرگذار باشند. همچنین در این مقاله اشاره شده بود که، شوهوک و هنری و سریره (2009) ایده اینکه یادگیری در سرتاسر فضای دانشگاه اتفاق می‌افتد نه فقط در کلاس، را ارتقا دادند. تعلیم دانشجو باید به عنوان یک فرصت آموزشی دیده شود که در خارج از کلاس درس اتفاق می‌افتد. لذا شاغلین باید این فرصت های آموزشی را با آغوش باز بپذیرند تا بر زندگی دانشجویان تأثیر بگذارند.

هدف از این مطالعه کمی بررسی استفاده از نظریه بهسازی دانشجو در اجرا برای اداره کردن دانشجو و اینکه شاغلین چگونه نظریه بهسازی دانشجو را مورد استفاده قرار می‌دهند و همچنین کدام نظریه کاربرد بیشتری دارد. در این مطالعه سؤالات در مقیاس لیکرت طرح و برای کسانی که مسئولیتهایی مرتبط با هدایت و اداره دانشجو را داشتند، توزیع شد. نتایج نشان داد که شاغلین هدایت دانشجو اکثر اوقات از نظریه بهسازی دانشجو در اجرا استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد از نظریه برای تعیین سطوح توسعه‌ای (بهسازی) متداول در دانشجویان استفاده می‌کنند. اکثراً نظریه‌های چیکرینگ، کولبرگ و پری را به کار می‌برند (لیلان ون و لاک بروکنر 2014).

پالا دینو و همکاران (2011) در پژوهشی تحت عنوان مدل آموزش تعاملی به بررسی ارتقا مشاورین بهسازی دانشجو پرداختند. هدف نویسندگان از معرفی مدل آموزش تعاملی (ITM) در جهت ارائه روشی برای کمک به مشاورین بهسازی دانشجو در داشتن مهارتهای مصاحبه، مشورت، خودآگاهی (خویش‌شناسی) به عنوان الزامات گزارش شده توسط انجمن رسمی استانداردهای برنامه‌های آموزشی است. در این مطالعه شبه آزمایشی 45 دانشجوی رشته مدیریت مشارکت داشتند و مشاهده شد آنهایی که در مدل آموزش تعاملی مشارکت داشتند نسبت به آنهایی که در مدل سنتی بازخورد هم‌تابان مشارکت داشتند، افزایش بیشتری در توسعه و بهسازی نظارت و سرپرستی داشتند. این مدل

از 5 بعد و 24 مؤلفه بر بهسازی دانشجوی شناسایی شد. پنج بعد شامل آموزشی، فردی، اجتماعی، پژوهشی و ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران می‌باشد. این ابعاد و مؤلفه‌ها به 45 گویه در پرسشنامه تبدیل شدند تا با استفاده از آنها، وضعیت عوامل مؤثر بر بهسازی دانشجوی مشخص شود. این پرسشنامه بر مبنای مقیاس لیکرت (5-1) تنظیم شد و در میان 320 دانشجوی سال آخر مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج در نیمسال اول سال تحصیلی 97-98 توزیع شد. روایی محتوایی پرسشنامه محقق ساخته توسط 7 نفر از صاحب‌نظران و اساتید حوزه مدیریت آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آنها اعمال گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب 0/95 به دست آمد. به کمک پرسشنامه محقق ساخته ابعاد مختلف بهسازی دانشجوی اندازه‌گیری شد، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و با عنایت به غیر نرمال بودن داده‌ها براساس نتیجه آزمون  $K-S$  از آزمون‌های ناپارامتریک دو جمله‌ای، نرم افزار ایویوز جهت ارائه شاخص‌های توصیفی به تفکیک ابعاد، آزمون من-ویتنی و ویلکاکسون برای مقایسه نظرات دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در پنج بعد، مدل تحلیل عاملی استفاده و برازش مدل تحلیل عاملی توسط نرم افزار لیزرل برای کلیه دانشجویان، دانشجویان مقطع کارشناسی و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی بطور جداگانه انجام گردید.

این مقاله در کمیته اخلاق در پژوهش مورخ 1398/9/3 به شماره 16/35/9/78/پ/د مورد تایید قرار گرفت و با شماره IRCT2013033112879N1 در مرکز بین المللی ثبت کار آزمایشی‌های بالینی ایران به ثبت رسید.

#### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در ارتباط با سؤال ابعاد و مؤلفه‌های بهسازی دانشجوی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

صحت کردن و شنیدن است. نظریه بهسازی دانشجوی می‌تواند چارچوب مفیدی باشد برای کمک به مدیران و ارائه دهندگان خدماتی که به نیازهای دانشجویان ناتوان و کم‌توان توجه دارند و حمایت‌های خود را در زمان حضور این دانشجویان در دانشگاه انجام می‌دهند. بهسازی روانی-اجتماعی دانشجویان می‌تواند پشتیبان ارائه خدمت به این دانشجویان باشد.

انجمن آموزش عالی و ناتوانی (2009)، بر اهمیت توجه به دانشجویان ناتوان در دانشگاه و تشویق در کشف علاقه-مندیهایشان و نیز توسعه مهارت‌های علمی، آزمودن انتخاب‌های خود در زندگی، پیگیری فرصت‌های شغلی، تشویق به یادگیری و استقلال در محیط و بهسازی فردی تأکید دارد و سرویس‌های ارائه خدمت به دانشجویان ناتوان مهم است که ناتوانی را جنبه‌ای مثبت از هویت دانشجوی در نظر بگیرند (به نقل از آموزش دانشگاه سدل بک 2011).

#### مواد و روش‌ها

هدف اساسی این پژوهش ارائه مدلی جهت بهسازی دانشجوی در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج بود. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و روش اجرای این پژوهش در ابتدا استفاده از روش پژوهش کیفی و بعد کمی یا روش آمیخته و از نظر نحوه اجرا «توصیفی-پیمایشی» بود. جامعه آماری این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی متفاوت بوده. در بخش کیفی جامعه مورد مطالعه، صاحب‌نظران در زمینه بهسازی دانشجوی با روش نمونه‌گیری هدفمند بودند، در بخش کمی جامعه موردنظر شامل، کلیه دانشجویان سال آخر مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج به تعداد 1500 نفر در نیمسال اول سال تحصیلی 97-98 بود. حجم نمونه بخش کیفی تا رسیدن به اشباع نظری (14 نفر) بود و حجم نمونه بخش کمی به روش جدول مورگان ( $n=320$  نفر) و با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی با تخصیص متناسب انتخاب شدند.

پس از بررسی ادبیات و مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور و همچنین انجام مصاحبه عمیق فهرستی

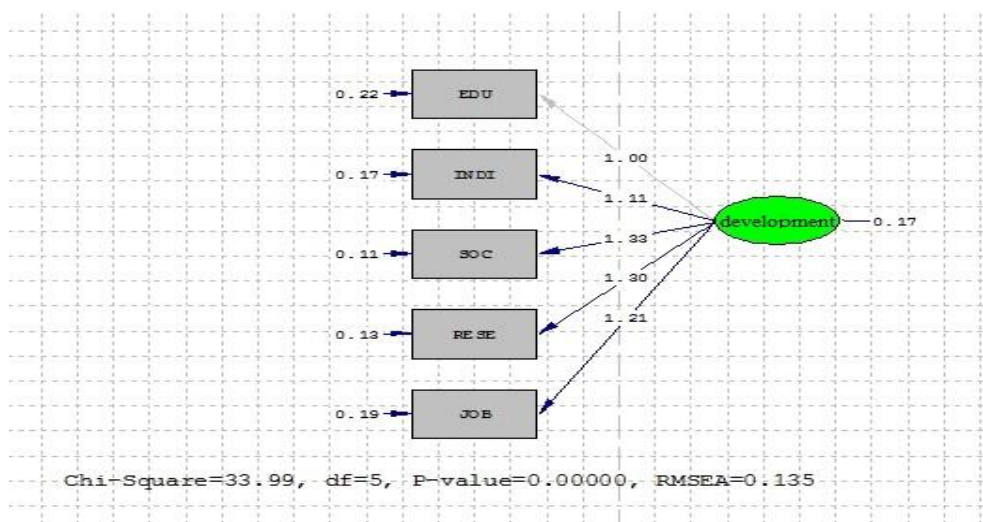
بر اساس مطالعات انجام شده در مبانی و پیشینه تحقیق (سه بعد) و انجام مصاحبه عمیق توسط پژوهشگر (دو بعد) که در نتیجه پنج بعد و بیست و چهار مؤلفه شناسایی شد.

جدول 1. بعدها و مولفه ها

Table 1. Dimensions and components

مؤلفه ها	بعد
فرآیند آموزش روش ارزیابی بصورت سیستمی، منسجم و یکپارچه نگرش علمی دانشجو مهارتهای استاد	آموزشی
ایجاد انگیزه یادگیری در دانشجو خودباوری تناسب (انطباق) خودتنظیمی تأمین احساس امنیت و آرامش روانی	فردی
بیان عقاید و احساسات و عواطف ایجاد ارتباط مؤثر با افراد فرآیند جامعه پذیری دانشگاهی (اجتماعی شدن) کارگروهی تعامل با دانشجو در اجرای قوانین	اجتماعی
خلاقیت و ابتکار توسعه مهارت حل مسأله و روشهای طرح پرسش تفکر انتقادی دانشجو وابستگی متقابل (مشارکت) دانشجو و استاد آموزشهای فوق برنامه وجود امکانات و منابع لازم و مناسب	پژوهشی
کاربردی کردن آموزش کارآمدی جمعی ارتباط بین نیاز بازار کار و رشته های تحصیلی کسب مهارتهای عملی و فنی	ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران

ضمناً با استفاده از مدل های نهایی حاصل از برآزش مدل معادلات ساختاری سهم هر یک از ابعاد محاسبه گردید.

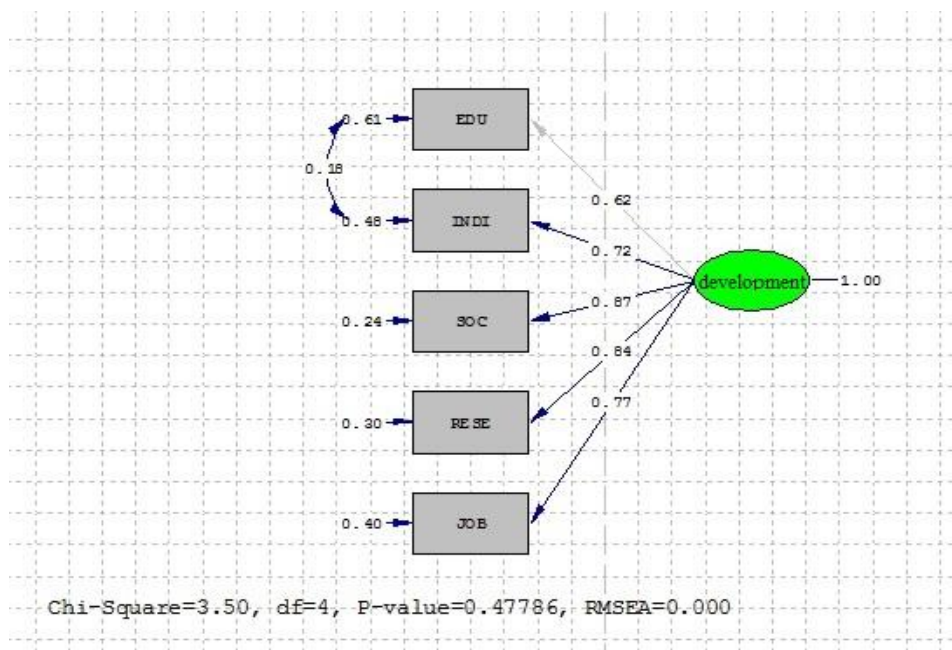


شکل 1. مدل تحلیل عاملی برای کلیه دانشجویان در مرحله نخست (قبل از اصلاح)

Figure 1. Factor analysis model for all students in the first stage (before correction)

مستخرج از پرسشنامه برازیده نیست. زیرا هیچ یک از شروط مدل SEM برقرار نمی‌باشد. بنابراین از بخش اصلاح مدل نرم افزار لیزرل کمک گرفته شد.

مدل تحلیل عاملی برای کلیه دانشجویان در مرحله نخست برازیده نیست. خطاها زیاد است و عدم کفایت نمونه برای پوشش خطاهای مدل وجود دارد لذا مدل مستخرج از بخش کیفی در حالت کلی بر داده‌های



شکل 2. مدل تحلیل عاملی برای کلیه دانشجویان در مرحله نخست (بعد از اصلاح)

Figure 2. Factor analysis model for all students in the first stage (after correction)

پوشش خطاهای مدل کفایت دارد. براساس مدل نهایی (شکل 2) که براساس هر سه شرط یک مدل برازیده می‌باشد. بعد اجتماعی دارای بیشترین رابطه با بهسازی است (با بار عاملی 0/87) پس از آن بعد پژوهشی (با بار عاملی 0/84) و در اولویت‌های بعدی ابعاد ایجاد اشتغال

در قسمت تغییرات نرم افزار لیزرل پیشنهاد شده است که بین ابعاد آموزشی و فردی یک مسیر دو طرفه ایجاد شود. پس از اعمال تغییرات پیشنهادی نرم افزار، مدل براساس هر سه شاخص برازیده شد. بنابراین نمونه برای

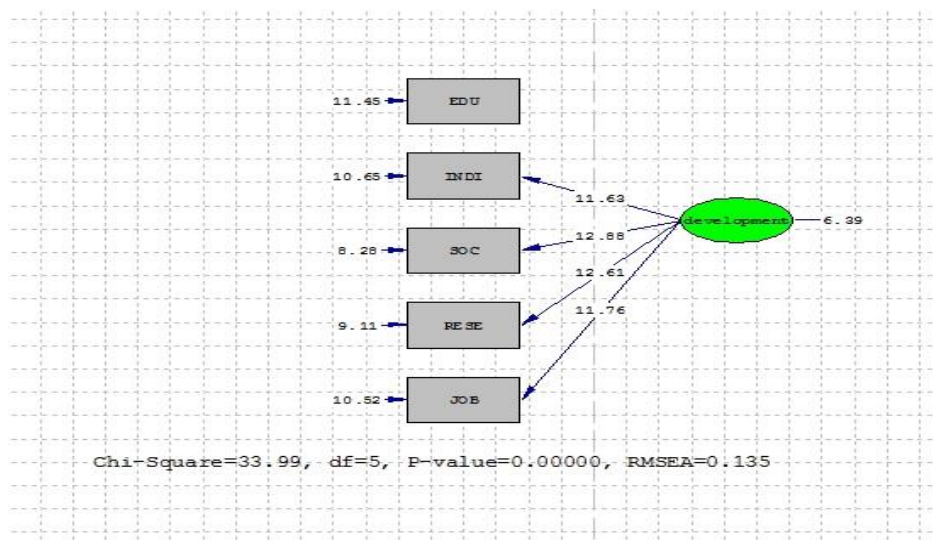


عاملی 0/81) پس از آن بعد پژوهشی (با بار عاملی 0/79) و در اولویت‌های بعدی ابعاد ایجاد اشتغال پایدار (با بار عاملی 0/72)، فردی (با بار عاملی 0/64) و در نهایت آموزشی (با بار عاملی 0/64) که ابعاد فردی و آموزشی بار عاملی شان یکسان می‌باشد، قرار گرفته‌اند. از آنجایی که همه بارهای عاملی بزرگتر از 0/3 می‌باشند، همگی معنا دارند (فاطمی 1394).

پایدار (با بار عاملی 0/77)، فردی (با بار عاملی 0/72) و در نهایت آموزشی (با بار عاملی 0/62) قرار گرفته‌اند. از آنجایی که همه بارهای عاملی بزرگتر از 0/3 می‌باشند

همگی معنا دارند (فاطمی 1394).

پس از اعمال تغییرات پیشنهادی نرم افزار، مدل براساس هر سه شاخص برازیده شد. براساس مدل شکل 3 که براساس هر سه شرط یک مدل برازش دارد. بعد اجتماعی دارای بیشترین رابطه با بهسازی است (با بار



شکل 3. مدل نهایی تحلیل عاملی برای کلیه دانشجویان

Figure 3. The final model of factor analysis for all students

مهمترین ساز و کارهای اجرایی در پنج بعد: الف- آموزشی، ب- فردی، ج- اجتماعی، د- پژوهشی، ه- ایجاد اشتغال پایدار، جهت بهسازی دانشجو اشاره نمود. الف- در بعد آموزشی

تدوین و طراحی برنامه‌های آموزشی در جهت توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های موردنیاز دانشجو مطابق با مقطع تحصیلی دانشجو، بررسی نیازهای دانشجویان در ابعاد مختلف فردی، علمی، اجتماعی و شغلی و در نظر قراردادن آنها در برنامه‌های درسی دانشگاهی، تدوین

در بخش بررسی معنی‌داری روابط مدل به کمک آزمون  $t$ ، از آن جا که کلیه مسیرها دارای آماره  $t$  بزرگتر از 1/96 می‌باشند، هیچ یک از ابعاد حذف نشدند، به عبارت دیگر کلیه ابعاد و مسیرها معنادارند.

یافته‌های پژوهش در ارتباط با سؤال ساز و کارهای اجرایی مدل جهت بهسازی دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

با توجه به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهسازی دانشجو و همچنین مرور ادبیات تحقیق و مصاحبه عمیق می‌توان به

به منظور تعیین درجه تناسب مدل پیشنهادی، پرسشنامه سنجش مدل تدوین و در اختیار 20 نفر از اعضای هیئت علمی و اساتید شاغل در دانشگاه آزاد اسلامی که در حوزه آموزش با سابقه و صاحب‌نظرند قرار گرفت. این پرسشنامه دارای بخش‌های فلسفه، اهداف، مبانی نظری، ابعاد و مؤلفه‌های بهسازی، ساز و کارهای اجرایی بهسازی، فرآیند اجرایی و نظام بازخورد و ارزیابی بود. سپس داده‌ها تحلیل و نتایج نشان داد که میانگین به دست آمده از هفت بخش مدل پژوهش بیشتر از مقدار متوسط بوده است و مدل ارائه شده از نظر صاحب‌نظران در سطح خطای 0/05 تأیید شد. درجه تناسب مدل نهایی نیز 4/52 بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌های پژوهش در پاسخ به سؤال شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها نشان داد که پنج بعد آموزشی، فردی، اجتماعی، پژوهشی، ایجاد اشتغال پایدار از جنبه‌های مؤثر بر بهسازی دانشجو هستند.

نتایج یافته‌ها در بخش شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های بهسازی دانشجو در ابعاد آموزشی، فردی و اجتماعی با یافته‌های امان زاده بنه و همکاران (1393)، شادفر و همکاران (1390)، فروت (2015)، تیک و همکاران (2015)، لی فانگ ژانگ (2015)، رید و همکاران (2015)، هلمز و همکاران (2015)، جان پنگ و همکاران (2014)، ناوازا (2014)، پارژت (2011)، پالادینو و همکاران (2011)، مارت ون دینتر (2011)، اینگر برگام (2011)، بروکنر (2014)، رانیا ابراهیم و همکاران (2010)، رایان (2005)، برکستون و همکاران (2001)، مطابقت دارد. ضمناً ابعاد پژوهشی و ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران در پژوهش‌های داخلی و خارجی شناسایی نشد، اما در پژوهش حاضر شناسایی شد.

بررسی یافته‌های پژوهش در پاسخ به سؤال شناسایی سازوکارهای اجرایی نشان داد که می‌توان از ساز و کارهای اجرایی در پنج بعد: الف- آموزشی، ب- فردی، ج- اجتماعی، د- پژوهشی، ه- ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران جهت بهسازی دانشجو بهره‌مند شد.

محتوای درسی مناسب با رشته و مقطع تحصیلی دانشجو، حساس نمودن جامعه علمی به موضوع بهسازی دانشجو

#### ب- در بعد فردی

بر عهده نهادن مسئولیت برخی فعالیت‌های آموزشی، عمومی و فرهنگی برعهده دانشجو، تقویت خودکارآمدی که با استفاده از مهارت‌ها، دانشجو عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته باشد و در نتیجه اعتماد به نفس دانشجو بالا می‌رود، توجه به آراء و نظرات دانشجو در زمینه درس و برنامه‌ریزی درسی از جانب گروه آموزشی و مسئولان.

#### ج- در بعد اجتماعی

تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در محیط‌های علمی، تشکیل انجمن‌های علمی و مردم نهاد در محیط‌های دانشجویی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های متنوع فوق برنامه و موردنیاز دانشجو، تشکیل انجمن ارتباط با اولیا

#### د- در بعد پژوهشی

برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین گروه‌های مختلف آموزشی در خلق ایده‌های جدید به صورت گروهی و تبدیل آن به کار پژوهشی، تشکیل تیم‌های هم‌افزای علمی، آموزش دانشجویان با روش‌های مناسب و مؤثر پژوهشی، مشارکت دادن دانشجو در پروژه‌های تحقیقاتی اساتید

#### ه- در بعد ایجاد اشتغال پایدار

برنامه‌ریزی جهت توسعه مهارت و دانش کاربردی دانشجو در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه و بهره‌برداری از آن در اقتصاد ملی، برنامه‌ریزان آموزشی در سطح وزارتخانه به بازار کار و نیازهای واقعی جامعه توجه داشته باشند، کسب مهارت‌های اساسی و موردنیاز در دانشجو برای انجام امور در دانشگاه و رسیدن به اهداف شغلی، طراحی و اجرای دوره پودمانی مقدمات کارآفرینی و کسب و کار دانش بنیان .

یافته‌های پژوهش در ارتباط با سؤال درجه تناسب مدل پیشنهادی بهسازی دانشجو از دیدگاه صاحب‌نظران به چه میزان است؟

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری شد. نتایج این بررسی نشان داد که توجه به ابعاد آموزشی، فردی، اجتماعی، پژوهشی، ایجاد اشتغال پایدار در حد متوسط به سمت ضعیف است. پس از مرور دقیق پیشینه و ادبیات موجود، سه بعد آموزشی، فردی، اجتماعی و بعد از انجام مصاحبه عمیق در بخش کیفی دو بعد پژوهشی و ایجاد اشتغال پایدار نیز به ابعاد قبلی اضافه گردید. برای این ابعاد، مؤلفه‌هایی شناسایی شد.

مؤلفه‌های بعد آموزشی عبارتند از: فرآیند آموزش، روش ارزیابی به صورت سیستمی، منسجم و یکپارچه، نگرش علمی دانشجو، مهارت‌های استاد.

مؤلفه‌های بعد فردی عبارتند از: ایجاد انگیزه یادگیری در دانشجو، خودباوری، تناسب (انطباق)، خودتنظیمی، تأمین احساس امنیت و آرامش روانی.

مؤلفه‌های بعد اجتماعی عبارتند از: بیان عقاید و احساسات و عواطف، ایجاد ارتباط مؤثر با افراد، فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی (اجتماعی شدن)، کار گروهی، تعامل با دانشجو در اجرای قوانین.

مؤلفه‌های بعد پژوهشی عبارتند از: خلاقیت و ابتکار، توسعه مهارت حل مسأله و روشهای طرح پرسش، تفکر انتقادی دانشجو، وابستگی متقابل (مشارکت) دانشجو و استاد، آموزش‌های فوق برنامه، وجود امکانات و منابع لازم و مناسب.

مؤلفه‌های بعد ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران عبارتند از: کاربردی کردن آموزش، کارآمدی جمعی، ارتباط بین نیاز بازار کار و رشته‌های تحصیلی، کسب مهارت‌های عملی و فنی.

به منظور ارائه مدلی برای بهسازی دانشجو، سهم هریک از ابعاد از طریق تحلیل عاملی محاسبه گردید. براساس نتایج به دست آمده در کلیه دانشجویان، دانشجویان مقطع کارشناسی و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی به تفکیک بعد اجتماعی دارای بیشترین رابطه با بهسازی است. پس از آن بعد پژوهشی و در

بررسی یافته‌های پژوهش در پاسخ به سؤال تعیین درجه تناسب مدل پیشنهادی، نشان داد که میانگین‌های به دست آمده برای فلسفه مدل 4/60، اهداف مدل 4/41، مبانی نظری 4/43، بهسازی آموزشی 4/58، بهسازی فردی 4/47، بهسازی اجتماعی 4/58، بهسازی پژوهشی 4/49، بهسازی ایجاد اشتغال پایدار 4/63، ساز و کارهایی اجرایی 4/45، فرآیند اجرایی 4/60، نظام بازخورد و ارزیابی 4/70، و کل مدل 4/52 از 5 بودند. نتایج به دست آمده حاکی از متناسب بودن کلیه اجزا و کل مدل است.

ساخت فرهنگی هر جامعه‌ای ریشه در ساختار تعلیم و تربیت آن، به ویژه برنامه درسی دارد و کارکرد اصلی مراکز تعلیم و تربیت به خصوص در آموزش عالی، آموزش، پژوهش، تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه فرهنگی در راستای توسعه همه جانبه از طریق ساختن انسان‌های سالم از نظر فکری و جسمی و کاربرد (متخصص) است. از طرف دیگر، فرهنگ هر جامعه‌ای از لایه‌های مختلف، دانش‌های بنیادین، ارزش‌ها و نمادها و به عبارت دیگر ابزار، تکنیک و روش‌ها، نظم اجتماعی و مؤسسات موجود و ارزش‌ها تشکیل یافته است و شیوه زندگی افراد یک جامعه و ویژگی‌های متمایز از جوامع دیگر آن، بستگی به ارزشها و قابلیت‌های افراد دارد که رکن تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد. دانشگاهها و مراکز آموزشی به طور کلی به تنظیم فعالیتهای اجتماعی، ورزشی و اردوهای علمی و تفریحی می‌پردازند. از این طریق، دانشجویان با ارزشهایی چون: تعاون، همدلی، خویشتن داری، انجام به موقع و درست وظایف، رعایت مصالح عمومی، مقدم داشتن دیگران بر خود، مسئولیت پذیری و موارد دیگر آشنا می‌شوند. این موارد ریشه در عملکرد، رفتار و نگرش استادان، کارکنان و مدیران دارد که به عنوان الگوهای عملی انسانی به شکل برنامه درسی پنهان عمل می‌کنند.

مهمترین نتایج این پژوهش را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد، وضعیت بهسازی دانشجو در دانشجویان

- وجود برنامه‌هایی مدون و مستمر جهت شناسایی نیازهای دانشجوی

- بعد اجتماعی:

- بسترسازی مناسب در دانشگاهها برای انجام فعالیت‌های گروهی دانشجویی و مشارکت دانشجوی در امور فرهنگی، اجتماعی، مذهبی مانند حضور دانشجوی در انجمنها و تشکلهای دانشجویی به صورت سازمان یافته

- مشارکت دادن دانشجوی در پروژه های تحقیقاتی اساتید نه تنها روحیه و مهارت دانشجوی را در پژوهش و تولید علم افزایش می دهد، همچنین زمینه را برای کار و یادگیری گروهی و تیمی، داشتن دیدگاه مشترک نسبت به مسائل علمی و مسئولیت پذیری و تلاش بیشتر مهیا می کند.

- بعد پژوهشی:

- تغییر روش های آموزش از وضعیت فراگیری نظری و روش های منفعلانه به روش های فعال مبتنی بر تجربه کردن، عمل کردن و مشارکت دانشجوی در تولید ایده و دانش.

- مشارکت دادن دانشجویان در امور پژوهشی و کارهای علمی

- بعد ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران

- مشاوره شغلی دانشجویان به منظور آشنایی آنها با وضعیت آینده شغلی رشته های تحصیلی و بازار کار آنها.

- برگزاری سمینارهای اشتغال و کارآفرینی تخصصی در هر رشته تحصیلی و دعوت از کارآفرینان و افراد فارغ التحصیل موفق در آن رشته تحصیلی به منظور تعامل با دانشجویان و ایجاد نگرش مثبت در آنان نسبت به آینده شغلی خود

## References

Bergom I, Et al. 2011. Promoting college student Development through collaborative learning: *A case study of Hevruta*. In: wiley online library. Com.  
Boettcher jv 2007. Ten core principles for designing effective learning

اولویت های بعدی ابعاد ایجاد اشتغال پایدار، فردی و در نهایت آموزشی قرار گرفته اند و همچنین یک مسیر دو طرفه بین ابعاد آموزشی و فردی ایجاد شد که نشان دهنده ارتباط و تأثیر متقابل ابعاد آموزشی و فردی بر همدیگر است.

نهایتاً با استفاده از یافته های فوق مدل بهسازی دانشجوی تدوین و از درجه تناسب مطلوبی نیز برخوردار بود. این پژوهش با بررسی پنج بعد مؤثر بر بهسازی دانشجوی به ما کمک می کند تا با رویکردی جدید، نگاه جامعی به بهسازی دانشجوی داشته باشیم. در این راستا پژوهشگر، در جهت تکمیل «تعریف بهسازی دانشجوی» تعریف نظری ذیل را ارائه داده است.

تعریف نظری بهسازی دانشجوی- بهبود متوازن ابعاد (جنبه های) آموزشی، فردی، اجتماعی، پژوهشی، ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران در دانشجوی شاغل به تحصیل در دانشگاه و یک مؤسسه آموزش عالی.

## پیشنهادات

- بعد آموزشی

- با توجه به وضعیت موجود بهسازی دانشجوی در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سمنجان سیاستگذاران و برنامه ریزان تمرکز و توجه بیشتری به این موضوع داشته و با برنامه ریزی های عملیاتی جهت برنامه های درسی و آموزشی نسبت به تدوین برنامه های پرورشی و فوق برنامه مورد نیاز دانشجوی بپردازند.

- به کاربردن شیوه های مختلف گرفتن بازخورد از دانشجوی و استفاده از نتایج آن

- ایجاد نگرش سیستمی در مسئولین و مدیران دانشگاه با رویکرد بهبود مستمر

- برگزاری کارگاه های آموزشی برای اساتید به منظور استفاده از روش های تدریس مشارکتی و مبتنی بر تفکر انتقادی

- بعد فردی:

- برگزاری کارگاه های آموزشی در جهت افزایش مهارت های مورد نیاز دانشجوی

- Jackson S E, Hitt M A 2003. The Knowledge based Approach to sustainable competitive advantage. *Jossy- Bass*.
- Javdani H 2010. The Role of the University in the Development Process From: *Higher Education Letters*. Vol. 3, No. 10. [In Persian].
- Jung peng P, Thungkasamit A 2014. The continuing professional Development of the Assessment through Research- based learning in Higher education of Thailand. *Science Direct. Procedia*.
- Knefelkamp L 2003. Student Development Theory. In jame j. forest and kevin kinser. Higher Education in the United states: An Encyclopedia. *Santa Barbara: ABC- CLIO*.
- Mansouri R 2001. University and its definition. *Journal of Policy Research and Approach*, No. 24. [In Persian].
- Navasa M, Carmen O 2014. The improvement of employability among Higher education students.: The Use of emotional intelligence as an educational strategy. Elsevier. *Procedia- social and Behavioral sciences*.139.
- Niaz Azeri K, Taghvaie Yazdi M 2010. Culture in the Third Millennium. Tehran: *Shaykh Publications*. [In Persian].
- Paladino Derrick A, et al 2011. Interactive training model: Enhancing Beginning counseling student development.
- Pargett Kelly k 2011. The effects of academic advising on college student Development in higher education. University of Nebraska- Lincoln. Search: student development thesis.
- Reid Karen M, et al 2015. College first-Year seminars: college student retention. Vol. 16, No. 1. Proquest.
- environments: in sights from brain research and pedagogical Theory. *Innovate journal of online education*. Vol. 3, No. 3.
- Braxton john M, et al 2001. Preparation For professional self- regulation. Spring link.
- Bruckner, Lillian, j. *Van vlack*. (2014). *Proquest*.
- Dinther M, Dochy F, Segers M 2011. Factors affecting students, self-efficacy in higher education. *Educational Research Review*. Elsevier.
- Emanzadeh Bane A, et al 2014. The Effect of Education Based on New Educational Technologies on Students' Life Skills in Universities of Mazandaran Province. From: *Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*. Vol. 4, No. 3. [In Persian].
- Fatemi A. 2015. Fitting Structural Equation Modeling with LISREL Software. Tehran: *Terme Publications*. First Edition. [In Persian].
- Fruith veronica M 2015. Supportive others in the lives of college students and their relevance to hope. SAGE.
- Ghorchian N, Eftekhazade S F 2016. Providing a model for the training of professional citizens in the country's higher education system in the third millennium. *Journal of Economics and Management*. No. 70. [In Persian].
- Holmes J, et al. 2015. Applying student Development Theory to college student's spiritual Beliefs.
- Holmes J, murphy J 2011. The Use of e-portfolios to support professional development of student nutritionists- *Apilot study*. *Proceeding of the Nutrition society*.
- Ibrahim R, Et al 2010. Student development in higher education: A constructivist approach CCIS-73.

Calgary. Ca/ses/ student Development theory.

Thieke W S, et al. (2015). A model of developmental change in freshman students. Proquest.

www. Saddle back. Edu/ student Development/ learning- out comes. (2011).

www.saddle back.edu/ VPSS. Disabled students programs and service saddle back college.

Zhang L 2015. Thinking styles and Identity. Jstor. HONG-kong University.

Ryan john F 2005. A Role for Financial Resources in Enhancing student learning and development. Research in higher education. Vol. 46. Springer.

Shadfar H, et al 2011. Assessment of Adaptation of Curriculum Management and Educational Planning to Students' Needs. From: *Journal of Research and Planning in Higher Education*. No. 62. [In Persian].

Student Development theory- The Basics U Calgary 2014. www.U

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور  
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی  
سال یازدهم، شماره 3، پاییز 99

## ارائه مدلی جهت بهسازی دانشجو در سیستم آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج)

پریا پرباران: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران، ایران.

حمیده رشادت جو\*: عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران، ایران.

کامران محمدخانی: عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران، ایران.

عادل فاطمی: عضو هیئت علمی، گروه آمار، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی جهت بهسازی دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی صورت گرفت. پژوهش از نظر هدف کاربردی و روش اجرای این پژوهش، آمیخته است که ابتدا به روش کیفی و سپس کمی انجام شده است. در بخش کیفی جامعه مورد مطالعه، صاحب‌نظران در زمینه بهسازی دانشجو بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری (14 نفر) انجام شد و در بخش کمی جامعه مورد نظر، دانشجویان سال آخر مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج به تعداد 1500 نفر در نیمسال اول سال تحصیلی 97-98 بود که با توجه به جدول مورگان ( $n=320$  نفر) و با روش نمونه‌گیری، طبقه‌بندی با تخصیص متناسب انتخاب شدند. پس از انجام مصاحبه عمیق فهرستی از 5 بعد شامل آموزشی، فردی، اجتماعی، پژوهشی و ایجاد اشتغال پایدار برای خود و دیگران و 24 مؤلفه شناسایی شد. مدل مفهومی استخراج شده با توجه به فلسفه، اهداف، مبانی نظری، ابعاد و مؤلفه‌ها، ساز و کار اجرایی، فرآیند اجرایی، نظام بازخورد و ارزیابی در سطح خطای 0/05 مورد تأیید قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** بهسازی دانشجو، بهسازی آموزشی، بهسازی فردی، بهسازی اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی.

\***نویسنده مسؤول:** عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران، ایران

Email: hamidereshadatjo@gmail.com